

شناسایی چالش‌های سیاست‌گذاری ساترا در زمینه مجوزدهی به رسانه‌ها

محمد رزمجو^۱ / محمدعلی هرمزی‌زاده^۲ / محمدصادق نصرالهی^۳

تاریخ پذیرش نهایی: مرداد ۱۴۰۲

تاریخ دریافت مقاله: خرداد ۱۴۰۲

چکیده

گسترش فناوری اطلاعات و ظهور نظام‌های ارتباطی نوین سبب شده است که طراحی، سیاست‌گذاری و ساختار سازمان‌ها دست خوش تغییرات و اصلاحاتی شود. با در نظر گرفتن تغییر به وجود آمده در زنجیره ارزش رسانه، نقش نهاد تنظیم‌گر به منظور مدیریت شرایط نیز دچار تغییراتی شد. تغییرات جدید و به ویژه کمرنگ شدن مرزهای مدیریتی حوزه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، نهادهای تنظیم‌گر را به بازنگری در الگوهای مناسب وادار کرده است. نظر به آنکه ساترا در مقام یک نهاد تنظیم‌گر فعال در حوزه رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر فعالیت دارد، لزوم بررسی عملکرد و شناسایی سیاست‌گذاری‌های آن پیرامون صدور مجوز و بررسی چالش‌های پیش رو ساترا و پلتفرم‌های فعال در این حوزه، ضرورت یافت. این پژوهش با روش کیفی و با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای و تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت پذیرد. در مراحل اجرای پژوهش، ۴ کد فراگیر، ۴۳ کد سازمان‌دهنده و ۱۶۰ کد پایه احصا گردیده و با رویکرد تحلیل مضمون براون و کلارک مورد بررسی و واکاوی قرار گرفتند. بدین ترتیب مهم‌ترین نتایج تحقیق را می‌توان خلاء قانونی لازم به جهت اثبات جایگاه ساترا و نیز قوانین حمایت‌کننده برای پیگیری در مراجعه قضایی اعلام داشت. همچنین از چالش‌های پررنگ میان ساترا و پلتفرم‌ها، به اختلاف مرزها و ابعاد فرهنگی، اجتماعی مد نظر طرفین در تولید آثار و ضعف فنی پلتفرم‌ها در انجام الزامات لازم به جهت اخذ سطوح مختلف مجوزدهی اشاره نمود.

واژگان کلیدی: ساترا، تنظیم‌گری، مجوزدهی، سیاست‌گذاری.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت رسانه، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: mohammad_razmjoo@yahoo.com

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق، تهران، ایران

بیان مسئله

در آغاز هزاره سوم، تغییر و تحولات روزافزون محیطی و تضادهای فراوان پیش روی سازمان‌ها، بیش از پیش خودنمایی می‌کند. گسترش فناوری اطلاعات و ظهور نظام‌های ارتباطی نوین نیز بر شدت این تغییرات افزوده است. این روند، بر نحوه طراحی، سیاست‌گذاری و اصلاح ساختار سازمان‌ها در عصر جدید، تأثیر شایان توجهی داشته است (کارلوف و لاونگسن، ۱۳۹۱) و با در نظر گرفتن تغییر به وجود آمده در زنجیره ارزش رسانه، نقش نهاد تنظیم‌گر به منظور مدیریت شرایط بسیار اثرگذار است. تغییرات جدید و به ویژه کم‌رنگ شدن مرزهای مدیریتی حوزه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، نهادهای تنظیم‌گر را به بازنگری در الگوهای مناسب نهادهای تنظیم‌گر وادار کرده است. (اسمعیلیان و ناظمی، ۱۳۹۷)

ابزارهای پیشین تنظیم‌گری این حوزه به ویژه ابزار مجوزدهی که یکی از سنتی‌ترین ابزارهای تنظیم‌گری حوزه رسانه است نیز با چالش‌ها و مسائل جدید مواجه شدند. پیش از این، به منظور راه‌اندازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، با استفاده از توزیع فرکانس، مجوزدهی پسینی صورت می‌گرفت اما امروزه با تغییر فضا و محیط رسانه‌ای، شرایط تنظیم‌گری نیز دست خوش تغییراتی شد.

با ورود عرصه‌های دیجیتالی، دولت‌های ملی از طریق ساز و کار فرمان - کنترل^۱، تنظیم‌گری سخت‌گیرانه‌ای را به ویژه در قالب قوانین مربوط به انحصار و منافع عمومی در بخش‌های رسانه‌های دیجیتال اعمال نمودند. (اشنایدر، ۲۰۰۱؛ لاتزر، ۱۹۹۷؛ نوام، ۱۹۹۲؛ بائر، ۲۰۱۰)

اما در دهه‌های اخیر، الگوی غالب مداخله دولتی، در بخش‌های دیجیتالی کاهش و الگوی‌های جدید و نوظهور نظارتی، باعث ایجاد تحولی در نقش دولت در زمینه تنظیم‌گری شده است. (لاتزر، ۲۰۰۷؛ جاست و لاتزر، ۲۰۰۴)

در واقع با فراهم شدن بستر مناسب برای شناخت فعالیت سرویس‌های جدید رسانه‌ای، نوع جدیدی از نظام مجوزدهی و تنظیم‌گری پسینی برای آنان تعریف گردید. این نظام جدید مجوزدهی، تحت عنوان "سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی" فعالیت خود را آغاز نمود.

سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا) در ایران، در شهریور سال ۱۳۹۴ توسط رئیس سازمان صدا و سیما بنیان گذاشته شد. در ابتدا این سازمان فعالیت چندانی نداشت اما بعد از سال ۱۳۹۶ فعالیت آن افزایش یافت. در بهار سال ۹۷، مجلس شورای اسلامی با تصویب لایحه‌ای؛ حیطه قدرت و اختیار این سازمان را به طور شفاف معین ساخت و به بیانی دقیق‌تر اعلام داشت که مرجع تصمیم‌گیری در خصوص صوت و تصویر

فراگیر، بر عهده این نهاد خواهد بود. (نورا فیلم، ۱۴۰۰)

بر اساس این نظام مجوزدهی و تنظیم‌گری پسینی، ارائه‌دهندگان موظف هستند فعالیت خود را به نهاد تنظیم‌گر رسانه و ارتباطات، اطلاع دهند. در این فرآیند، داده‌هایی نظیر نشانی سایت، پایگاه، راه ارتباطی، دفتر اصلی و سایر موارد اطلاع داده می‌شود. از سویی دیگر، قوانین و مقررات محتوایی و غیر محتوایی وجود دارد که سرویس‌های ویدئو درخواستی به محض راه‌اندازی، موظف به رعایت این قوانین و مقررات هستند. (پژوهشکده سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری رسانه ساترا، ۱۴۰۱: ۱۳)

یکی از مهم‌ترین الزامات این سرویس‌ها، مسئله رده‌بندی سنی، مقررات محتوایی، کنترل والدین، تبلیغات و مواردی دیگر است. این نظام مجوزدهی مرتبط با خدمات ویدئو درخواستی است. سرویس‌های خطی اینترنتی که شباهت کاملی با رادیو و تلویزیون از جهت ارائه محتوا به کاربر دارند، تقریباً از قواعد و مقررات رادیو و تلویزیون پیروی می‌کنند و دارای نظام مجوزدهی پیشینی هستند. (پژوهشکده سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری رسانه ساترا، ۱۴۰۱: ۱۳)

از ابتدای فعالیت ساترا تاکنون رسانه‌های متقاضی ۱۱۶۹ درخواست اخذ مجوز ثبت کرده‌اند که پس از بررسی‌های لازم، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، ۲۶۲ مجوز فعالیت برای رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی کشور در ساترا صادر شده است. همچنین باید متذکر شد که در دو ماه گذشته، تاکنون بیش از ۸۲ رسانه از طریق درگاه ملی مجوزها موفق به ثبت درخواست خود به منظور اخذ مجوز از ساترا شده‌اند. (وقایی، ۱۴۰۱)

در این میان اعتراضاتی نیز بر فرآیند تنظیم‌گری و مجوزدهی این سازمان وارد گردید. از جمله معترضین، هیئت مدیره انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئو آنلاین است که در بخشی از بیانیه اعتراضی خود نسبت به دو دستورالعمل «ارتباطات تجاری در رسانه‌های صوتی و تصویری» و «عدالت رسانه‌ای و حفاظت از رقابت» اذعان داشت که می‌بایست اراده مردم در نظر گرفته شده و نیز بر اساس بند الف ماده ۹۲ قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تسهیل‌گری‌های لازم صورت گیرد. (مردم سالاری، ۱۴۰۰/۱۲/۲۰)

از دیگر معترضین اخیر، توانگر، رئیس کمیته دانش بنیان و اقتصاد دیجیتال مجلس است که طی نامه‌ای رسمی، بابت تعطیلی شبکه‌های نمایش خانگی به رئیس سازمان صدا و سیما هشدار داد. او در نامه خود عنوان داشت که تلقی صنعت نمایش خانگی به عنوان رسانه صوت و تصویر محل بحث است و از این رو در زمره تنظیم‌گری نهاد مربوطه قرار نمی‌گیرد. مدیران پلتفرم فیلیمو نیز ساختار صدا و سیما را کند و ایستا خوانده و به سبب ذینفع بودن این سازمان، آن را مرجع اصلح برای رسیدگی به تخلفات نمی‌دانند. (همشهری، ۱۴۰۱/۴/۲۸)

۱. Command – Control

سؤالات پژوهش

سؤال اصلی: چالش‌های سیاست‌گذاری‌های ساترا در زمینه مجوزدهی به رسانه‌ها کدامند؟

سؤالات فرعی: ۱- آیا ساترا از صلاحیت و جایگاه حقوقی به منظور صدور مجوز، برخوردار است؟

۲- سیاست‌گذاری‌های مجوزدهی ساترا در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی چگونه است؟

۳- چه راه‌هایی برای جلوگیری از انحصار در روند مجوزدهی وجود دارد؟

۴- چه راه‌هایی جهت تسهیل‌گری در روند مجوزدهی وجود دارد؟

تعریف مفاهیم

رسانه صوت و تصویر^۲: رسانه‌های صوت و تصویر مبتنی بر فرآیندهای پنج مرحله‌ای ارتباطی، شامل ارسال، محتوا، کانال، دریافت و تأثیر هستند که در عین جامع بودن و منعطف بودن، موجب سیالیت نهاد تنظیم‌گر می‌شود و امکان تداخل کارکردی میان نهادهای تنظیم‌گر را از میان بر می‌دارد. این رسانه‌ها متشکل از سامانه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری انتشار صوت و تصویر در فضای مجازی هستند. (ابراهیمی‌نژاد، خلیلی، ۱۳۹۷)

مجوزدهی^۳: یکی از ابزارها و عناصر مهم برای تأمین درست منافع مشتریان خدمات و ذینفعان که بتواند در قالب یک چارچوب قانونی و نظارتی عناصر مختلفی همچون وظایف عملیاتی و نظارتی تنظیم‌گری، فرآیندهای تصمیم‌گیری، مسئولیت‌های ارائه‌دهنده خدمات و تنظیم‌گری، حمایت از مصرف‌کننده و حل و فصل اختلافات و ضمانت‌های اجرایی را در برگیرد، صدور مجوز است. (بلک من و سریواستوا، ۲۰۱۱)

در بستر تنظیم مقررات فناوری اطلاعات و ارتباطات، اصطلاح مجوز به سندی قانونی اطلاق می‌شود که از سوی تنظیم‌گری یا نهاد صالح حکومتی دیگری اعطا می‌شود و حقوق و تکالیف ارائه‌دهنده خدمات در این حوزه را تعیین می‌نماید. (یزدی‌مقدم، ۱۳۹۶: ۳۳).

تنظیم‌گری^۴: اصطلاح تنظیم‌گری برای اولین بار در فرانسه در سال ۱۴۶۰ میلادی به کار گرفته شد، اما در مفهوم خاص حقوقی آن در اواخر قرن نوزدهم در این کشور برای تبیین صلاحیت کارکردهای نهادهای خاص، معادل مراجع اداری مستقل در حقوق کنونی، به عنوان تنظیم‌کننده فعالیت و روابط آزاد و خصوصی در برخی حوزه‌ها از آن استفاده شده است. (کانسیل دتات، راپورت پابلیک، ۲۰۰۱)

حتی در امر رسیدگی به شکایت نسبت به فرآیند مجوزدهی و تنظیم‌گری این سازمان نیز گلابه‌هایی صورت گرفته است. کما اینکه جعفر نعاکار، کارشناس حقوق و فناوری، در گفت‌وگو با دیجیاتو^۱، بیان داشته است که اگر امروز کسی از ساترا شکایت داشته باشد، نمی‌داند باید از کجا شکایت کند و بعید است کسی نیز به این شکایت رسیدگی کند. (پارساپور، ۱۴۰۰/۲/۲۶)

مطالب فوق و مسائلی از این دست، مسئله مجوزدهی را به یکی از مسائل و چالش‌های مهم تبدیل کرده است. اگرچه در سال‌های اخیر با طرح و اجرایی‌سازی ایده درگاه ملی مجوز، سعی شده است تا حدی بر این مسائل و مشکلات فائق آمد. با این وجود به دلیل ماهیت درهم تنیده و پیچیده بازیگران دیجیتال، خصوصاً وجود ابعاد مختلف محتوایی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی، نظام تنظیم‌گری این حوزه به ویژه ابزار مجوزدهی، با چالش‌های جدی مواجه است. از این رو لزوم بازنگری بر ساختار مجوزدهی و ایجاد نظام‌های جدید با اهداف مشخص می‌تواند تا حد زیادی بر این مسئله غلبه کند. و از آنجایی که نظام مجوزدهی رسانه‌ای صوت و تصویر برخط در ایران، به دلیل فقدان تجربه پیشینی مجوزدهی به رادیو و تلویزیون بخش خصوصی، تجربه‌ای بسیار جدید محسوب می‌شود. لزوم بازنگری بر ساختارهای مجوزدهی، ایجاد نظام‌های جدید و پویا با هدف رشد و توسعه سرویس‌های بومی، محتوای بومی و رعایت حساسیت‌های فرهنگی، حقوقی، اقتصادی، امری مهم و ضروری است. و تحقیق حاضر بر آن است تا ضمن شناسایی چالش‌های پیش رو، راهکارهای برون رفت از آن را ارائه دهد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی:

شناسایی چالش‌های سیاست‌گذاری ساترا در زمینه مجوزدهی به رسانه‌ها

اهداف فرعی:

۱- ارزیابی صلاحیت و جایگاه حقوقی ساترا در زمینه صدور مجوز
۲- ارزیابی سیاست‌گذاری‌های مجوزدهی ساترا در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی

۳- شناسایی راه‌های جلوگیری از انحصار در روند مجوزدهی

۴- شناسایی راه‌های تسهیل‌گری در روند مجوزدهی

^۲. Licensing

^۴. Regulatory

^۱. ویجیاتو سایتی در زمینه آگاهی بخشی در خصوص بازی‌های ویدئویی، سینما، تلویزیون و دیگر سرگرمی‌ها، فعالیت دارد.

^۳. Audio and Video Media

هیچ‌گاه هسته مرکزی مفهوم دولت را روشن نمی‌کنند. در نتیجه، اوصافی که برای دولت تنظیم‌گر آمد، فقط مبین انواع این دولت است، نه مفهوم هسته‌ای و مرکزی آن (لوی-فاور، ۲۰۱۳: ۳۰).

نهاد تنظیم‌گر: با تغییر رویکرد دولت‌ها از تصدی‌گری به تنظیم‌گری و اعمال حاکمیت ملی برای تنظیم فعالیت‌ها در عرصه‌های گوناگون، نقش نهادهای تنظیم‌گر بسیار برجسته شده است. (اسمعیلیان، ۱۳۹۷)

نهادهای تنظیم‌گر، مشتمل بر نهاد خود تنظیم‌گر، مقامات محلی، مجلس، دادگاه و هیئت داوری، وزارتخانه‌های دولت مرکزی، سازمان‌های تنظیم‌گر و مدیرعامل است. (هادی‌فر، ۱۳۸۹: ۱۳۳) نقش اصلی نهادهای تنظیم‌گر، حفاظت از منافع عمومی تعریف شده بر مبنای قوانین و مقررات ساختار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، بستر ارزشی و تاریخی جامعه است. از زمان پیدایی نهادهای تنظیم‌گر، رسانه به منظور حفاظت از منافع عمومی، سازکارهای مختلفی از جمله مقررات‌گذاری، نظارت و جریمه به کار گرفته شده است. (اکبری نوری، ۱۴۰۱: ۱۵)

از نظر اندرسون، دولت تنظیم‌گر، خواهان اصلاحات اجتماعی با ساختار سلسه مراتبی یا فرمان و کنترل (دست کم در سطح فدرال) در پایان قرن نوزدهم است. (لوی-فاور، ۲۰۱۳)

تسهیل‌گری: یکی از کارکردهای اخیر تنظیم‌گران در ایفای نقش‌های خود به ویژه توسعه بازار و کمک به بازیگران کوچک‌تر در بازار و بخش‌های مغفول مانده، تسهیل‌گری است. تسهیل‌گری در نهادهای تنظیم‌گری رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر، یکی از وجوه همیشگی و اجتناب‌ناپذیر است. این امر برای حمایت از رسانه‌های صوت و تصویر بومی و ارتقای سطح تولید محتوا دارای ابعدی حائز اهمیت است. (سلمانی، ۱۴۰۱: ۲۹)

پیشینه تجربی پژوهش

پژوهش‌های داخلی

مجید محسنی در سال ۱۳۹۷ پایان‌نامه‌ای را با عنوان "جایگاه دولت و بخش خصوصی در نهادهای تنظیم مقررات" انجام داده است. این پایان‌نامه در مقطع کارشناسی ارشد با هدف تنظیم مقررات دولتی برای حمایت از مصرف‌کنندگان به نگارش درآمده است. پژوهشگر معتقد است که امروزه با افزایش ظرفیت خصوصی‌سازی و کاهش مالکیت دولتی، بر میزان اعتماد به بخش خصوصی افزوده شده است. اما با خصوصی‌سازی می‌بایست دولت با اعمال قوانین تنظیم‌کننده و تعیین نهادهای تنظیم‌گر، عوامل محدود کننده اعمال نماید.

تنظیم‌گری به طور کلی به مبحث اعمال محدودیت‌ها از سوی دولت بر تصمیمات شرکت‌ها از طریق ابزارهای قیمت، مقدار و نحوه ورود و خروج می‌پردازد. (اسمعیلیان، ۱۳۹۸)

مقوله تنظیم‌گری و استانداردسازی خدمات، امکان ارائه تسهیلات بخش دولتی را برای بخش خصوصی فراهم می‌کند. (مقیسه، ۱۴۰۱: ۱) در واقع هدف اصلی تنظیم‌گر، حصول اطمینان از این امر است که عملکرد این حوزه به درستی انجام می‌شود و منافع مشتریان خدمات و ذینفعان به خوبی تأمین می‌گردد. (بلک من و سربواستوا، ۲۰۱۱) ر تعریف اصطلاحی آن گفته‌اند تنظیم‌گری عمل یا فرآیند کنترل به وسیله مقررات است. البته یکی از اشتباهات رایج خلط میان دو مفهوم مقررات‌گذاری و تنظیم‌گری است. در این باره می‌توان گفت تنظیم‌گری به وسیله ابزارهای مختلفی اعمال گردیده و در حقیقت مقررات‌گذاری تنها یکی از ابزارهای اعمال تنظیم‌گری محسوب می‌شود. (پژوهش‌کننده تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۹)

مسائل مهمی چون ناکارایی ابزارهای سنتی قانونی در اعمال حکمرانی، توجه حکومت‌ها به سازوکارهای اجرایی‌سازی سیاست‌های کلان، تنظیم‌گری را جزء موضوعات دارای اولویت در حوزه حکمرانی قرار داده است. (معاونت پژوهش‌های اقتصادی، ۱۳۹۷: ۶)

دولت تنظیم‌گر: دولت تنظیم‌گر، دولتی است که در سطحی وسیع و به شکل رسمی و یا غیر رسمی با استفاده از دستگاه دیوان‌سالاری خود به وضع، پایش و اجرای قاعده می‌پردازد. (دوباش و مورگان، ۲۰۱۳)

اسکات با تأکید بر همین وجه، ایده محوری دولت تنظیم‌گر را عبارت از شیوه حکمرانی مبتنی بر وضع قواعد می‌داند که متضمن نظارت نظام‌مند و با فاصله آژانس‌های عمومی بر رعایت آن قواعد توسط تنظیم‌شوندگان است. (اسکات، ۲۰۱۷)

فاور نیز وجه تمایز دولت تنظیم‌گر را به کارگیری قواعد (صرف نظر از محتوای قاعده) در حکمرانی می‌داند و دولت تنظیم‌گر را بر اساس ابزار حکمرانی‌ایش، یعنی وضع، پایش و اجرای قاعده تعریف می‌کند. از نظر فاور، ویژگی اصلی تنظیم‌گری، عبارت است از ظرفیت و اولویت حکمرانی کردن از طریق قاعده‌گذاری؛ یعنی دولت بیش از آنکه متوسل به اعمال زور یا مالیات ستانی شود یا خود به تأمین خدمات بپردازد، از طریق قواعد، حکومت کند. (لوی-فاور، ۲۰۱۳)

از منظر فاور، دولت تنظیم‌گر الزاماً با آژانس‌های تنظیم‌گری ملازمه ندارد یا لزوماً لیبرال یا رفاهی یا غیر لیبرال یا ضد رفاهی نیست. دولت تنظیم‌گر انواع گوناگون دارد، بدان سبب که تمامی دولت‌ها را می‌توان به درجاتی، تنظیم‌گر دانست. به عقیده وی می‌توان صفاتی همچون نئولیبرال، رفاهی، توسعه‌ای و ... به دولت داد، اما این صفات

هستند. فرضیه این پژوهش بر این اساس است که فهم از تنظیم‌گری، به مثابه مهم‌ترین ابزار حکمرانی در دولت تنظیم‌گر، مهم‌ترین عامل در فهم اصلاح دولت تنظیم‌گر است.

پیشینه خارجی

لارا اسکایف، در سال ۲۰۱۸، رساله دکتری خود را با عنوان "تنظیم‌گری مؤثر رسانه‌های اجتماعی"^۱ انجام داده است. این رساله در واقع با اقتباس از کتاب خانم اسکایف به نام "کتاب راهنمای رسانه‌های اجتماعی و قانون" در سال ۲۰۱۴ می‌باشد. در این رساله به مجموعه‌ای از قوانین هم پوشان اشاره می‌شود که به دنبال حکمرانی بر رسانه‌های اجتماعی هستند. در ادامه این قوانین، از هر دو دیدگاه کیفی و مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در واقع در این پژوهش با پیشنهاد یک مدل تنظیم‌گری پویا، نظارت‌هایی متناسب با محدودیت‌های سازمان و فرهنگی را برای هر دو نهاد تنظیم‌کننده و تنظیم‌شونده مطرح می‌سازد.

در سال ۲۰۱۴، گروه مشاوره دیتکان مقاله‌ای را با عنوان "خط مشی و چارچوب نظارتی برای حکمرانی بر برنامه‌های اینترنتی"^۲ به چاپ رساندند. نویسندگان اذعان دارند که با افزایش چشم‌گیر سرعت اینترنت، تمام ابعاد زندگی مردم من جمله فضای کاری، بازی و زندگی دستخوش تغییراتی گردیده است و با گسترش اینترنت همراه، افزایش پهنای باند، افزایش رقابت، کاهش قیمت بسته‌های اینترنتی، اینترنت در دسترس خیل گسترده‌ای از مردم قرار گرفت. با گسترش اینترنت، شرکت‌هایی نظیر گوگل، فیسبوک و آمازون فعالیت خود را شروع کرده و با بهره‌مندی از نبود رقیب، توانستند سرمایه‌گذارانی بین‌المللی را جذب کنند. آنان در ادامه افزودند که از عوامل تأثیرگذار در قدرتمندسازی این شرکت‌ها، عدم وجود تنظیم‌گری صریح پیرامون این امر است.

ترینیدا گارسیا لیوا، در مقاله‌ای به نام "پلتفرم‌های وی‌ا‌دی و برتری‌های آن: رویکرد نظارتی اروپایی"^۳ که در سال ۲۰۱۸ به چاپ رسیده، به بررسی تنظیم‌گری برجسته‌سازی صورت گرفته توسط وی‌ا‌دی‌ها در کشورهای اتحادیه اروپا می‌پردازد. هدف پژوهش صورت گرفته این است که تغییر عملکرد آن به یک رسانه تأمین ملی و شناسایی رویکردهای مختلف آن بر اساس منافع ملی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بر همین اساس، در این پژوهش این نتیجه حاصل می‌شود که راه حل مناسب، تدوین قوانین مبتنی بر اصول است.

در سال ۱۳۹۶، مهنوش یزدی مقدم، پایان‌نامه‌ای را با عنوان اصول حاکم بر نظام مجوزدهی و نظارت ابر موتورهای جست‌وجوی ملی انجام داده و در آن به ضرورت تأسیس موتورهای جست‌وجوی ملی، اهمیت آن و مقایسه آن با موتورهای جست‌وجوی ملی موفق در روسیه و چین می‌پردازد. ضمناً پژوهشگر تأسیس موتورهای جست‌وجوی ملی را نیازمند طی کردن فرآیندی معین به جهت اخذ مجوز از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی می‌داند.

احمد مرکز مالمیری، در سال ۱۳۹۸، مقاله‌ای با عنوان "مجوززدایی به مثابه مقررات‌زدایی: تحلیل مفهومی مقررات‌زدایی در ایران" را به قلم تحریر در آورد. تمرکز این مقاله بر این است که میان "مقررات‌زدایی" و "مجوززدایی" تفکیک قائل شود. در واقع مجوززدایی را پیش‌نیاز مقررات‌زدایی می‌داند. پژوهشگر معتقد است مقوله مقررات‌زدایی نیازمند ورود جدی مجلس و دولت برای شناسایی قوانین و مقررات منحل و مزاحم و به ویژه انجام فرآیندها و رویه‌های "تدوین و تنقیح قوانین و مقررات" و "ارزیابی تأثیرات قوانین و مقررات" است و براین اعتقاد است که مجوززدایی با توجه به سخت‌گیری‌های بروکراسی‌های اداری که مانعی برای کسب‌وکارها به حساب می‌آیند، می‌تواند از تورم قوانین پیشگیری کند.

ملیحه اسمعیلیان و امیر ناظمی، مقاله‌ای را با عنوان "ارائه الگویی برای نهاد تنظیم‌گر رسانه‌های نوین صوتی تصویری بر پایه روش تصمیم‌گیری پابرجا" را در سال ۱۳۹۷ به نگارش در آوردند. در این مقاله، پژوهشگران به تغییر رویکرد دولت از تصدی‌گری به تنظیم‌گری اشاره دارند. اگرچه در برخی عرصه‌ها نظیر رسانه‌های نوین، از ظرفیت‌های مردمی و بخش خصوصی گذر کرده و وارد عرصه تدبیرگری شده‌اند. با این حال با پدیدار شدن پدیده هم‌گرایی و رنگ باختن مرزهای حوزه‌های رسانه‌ای، مخابراتی و فناوری اطلاعات، رویکردهای گوناگونی برای نهادهای تنظیم‌گر اعمال شده است. در این مقاله با تحلیل داده‌های به دست آمده، به این نتیجه دست یافتند که با توجه به آینده‌ی رسانه‌های صوتی تصویری در کشورمان، الگوی نهاد تنظیم‌گر هم‌گرا و مستقل از بازیگران موجود، با لحاظ کردن جداسازی خط مشی‌گذاری و مقررات‌گذاری از یکدیگر و مشارکت مردم در تنظیم‌گری، الگویی مناسب و پایدار است.

مهدی هداوند به همراه فرهاد جم در سال ۱۴۰۰، مقاله‌ای را با عنوان "مفهوم دولت تنظیم‌گر: تحلیل تنظیم‌گری به مثابه ابزار حکمرانی" به چاپ رساندند. نویسندگان این مقاله به دنبال فهم دقیق مفهوم تنظیم‌گری و نقش آن در تشکیل دولت تنظیم‌گر

Internet Applications

^۲. Platforms and Prominence: A European Regulatory Approach

^۱. The Effective Regulation of social media

^۲. Policy and Regulatory Framework for Governing

همانگونه که ملاحظه شد به سبب نوآوری در موضوع، تحقیقی مرتبط با حوزه مجوزدهی به رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر و همچنین شناسایی چالش‌های فرآیند مجوزدهی به آن‌ها از جانب ساترا، یافت نشد. بنابراین پژوهش‌های فهرست شده، تنها در برخی جهات نظیر توصیف فعل مجوزدهی، به پژوهش مذکور قرابت دارند. در پیشینه‌های مطالعه شده، هیچ یک به بررسی عملکرد ساترا در هنگام مجوزدهی به ساترا و ابعاد این فرآیند و همچنین شناسایی مسائل این حوزه نپرداخته‌اند. بر همین اساس ضمن اینکه، قلت منابع کتابخانه‌ای به وضوح احساس گردید، پژوهش حاضر نو آور نیز تلقی می‌گردد.

چارچوب نظری پژوهش

نظریه تنظیم‌گری: نظریه تنظیم‌گری، مجموعه‌ای از گزاره‌ها یا فرضیاتی در مورد چرایی مقررات‌گذاری، بازیگران آن و تعاملات بین آن‌ها است.

نظریه‌های تنظیم‌گری به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند: نظریه‌های منافع عمومی^۶، نظریه‌های منافع خصوصی^۷ و نظریه‌های نهادگرایی^۸ (مرگان و یئونگ، ۲۰۰۷: ۱۶)

نظریه منافع عمومی: برای نخستین بار پروفیسور «مارسل والین» رئیس دانشکده حقوق پاریس تحت تأثیر رأی مورخ ۱۹۲۱/۶/۱۰ شورای دولتی فرانسه، منفعت عمومی^۹ را در قالب یک نظریه مدون برای توجیه اعمال اداری و پوشاندن کاستی‌های نظریه خدمات عمومی مطرح کرد. (انصاری، ۱۳۸۱)

در نظریه منافع عمومی، اهداف جمعی به منظور رفاه عمومی دنبال می‌شود. در برخی رویکردها، این اهداف با رفاه اقتصادی و در برخی با اهداف سیاسی دنبال می‌شود. نظریه منافع عمومی، نظریه اثباتی تجویزی^{۱۰} نیز نام گرفته است. (پلترم، ۱۹۸۹: ۴)

(کاتوزیان، ۱۳۹۰) نیز بر این باور است که منافع اکثریت عددی مردم، منافع عمومی است. عده‌ای از اندیشمندان، در نگاهی بدبینانه توسل به این عنوان «منفعت عمومی» را ابزاری می‌دانند برای سرپوش نهادن بر اقداماتی که سیاستمداران در راستای منافع خود اتخاذ می‌کنند؛ این گروه ابهام و اغتشاش موجود در آن دسته از آثار نظری که در صدد تبیین مفهوم منفعت عمومی هستند را ناشی از همین واقعیت می‌دانند. (سوراف، ۱۹۷۵)

در سال ۲۰۲۱، آنتونیوس ولایسیس، مقاله‌ای با نام "حاکمیت پلتفرم و سیاست تنظیم‌گری رسانه: بررسی دستورالعمل خدمات رسانه‌های سمعی و بصری اروپا"^{۱۱} را به می‌قلم تحریر می‌آورد. نویسنده این مقاله به دنبال ارائه یک رویکرد مفهومی برای بررسی حاکمیت پلتفرم‌ها ویدئو درخواستی و برجسته کردن پویایی‌های کلیدی است که از آن طریق حاکمیت پلتفرم مربوط به رسانه، در پرتو بازیگران آن فرموله می‌شود. بدین ترتیب یک دیدگاه «در موقعیت» و دیدگاهی دیگر «در عمل» ارائه می‌دهد. ماریلا بالادرون به همراه ایزکوییل ریورو، مقاله‌ای را به نام "خدمات ویدئو درخواستی در آمریکای لاتین: روندها و چالش‌های پیرامون آن در خصوص دسترسی به این خدمات و میزان تمرکز بر آن و مقررات حاکم"^{۱۲}، در سال ۲۰۲۲ به چاپ رساندند. در این مقاله، تجزیه و تحلیلی از خدمات ویدئو درخواستی ارائه داده و به دلایل نفوذ آن در میان تلویزیون‌های سنتی پولی و سیاست‌های محتوایی و تنظیم‌گری‌های حاکم در این بخش می‌پردازد.

دامیان تامبینی، مقاله‌ای را با عنوان "آزادی رسانه، تنظیم‌گری و اعتماد: رویکردی سیستماتیک به اختلال در اطلاعات"^{۱۳} را در سال ۲۰۲۰ به قلم نگارش در آورده است. در این مقاله به تغییر مصرف رسانه‌ای مردم و گرایش آنان به سمت پلتفرم‌هایی که اعتماد کم‌تری به آن‌ها دارند، اشاره می‌کند. در خلال این مقاله، به این موضوع دست یافتند که با افزایش استفاده از رسانه‌های اجتماعی، میزان تکیه بر اخبار و اطلاعات آنلاین نیز افزایش یافته است. بدین ترتیب دولت‌ها می‌کوشند تا با ایجاد ساختار جدید تنظیم‌گری برای پلتفرم‌های رسانه جدید، آن‌ها را به انتشار اخباری منصفانه و روزنامه نگاری صحیح تشویق نماید.

در سال ۲۰۲۱، فیلیپ شلزیگر^{۱۴}، مقاله‌ای را با عنوان تنظیم‌گری جدی پلتفرم‌ها ی اینترنتی در انگلستان^{۱۵} انجام داده است. در این مقاله، به شرایط تنظیم‌گری انگلستان در سال ۲۰۲۰، پس از برگزیت، اشاره می‌گردد. نویسنده به مبحث نتو رگولاتوری شکل گرفته پس از برگزیت توسط انجمن داوطلبانه مشارکتی که متشکل از تنظیم‌کننده‌های گوناگون است، می‌پردازد. این انجمن نظارتی، از مقررات رقابتی به کار گرفته شده توسط بانک‌داری بین‌المللی الگو برداری کرده است. بدین ترتیب، در این مقاله وضعیت ابزار نظارتی حال حاضر در انگلستان مورد بازبینی قرار می‌گیرد.

۴. Philip Schlesinger

۵. The Neo-Regulation of Internet Platforms in the UK

۶. Public Interest Theories

۷. Private Interest Theories

۸. Institutionalism Theories

۹. Public Interest

۱۰. NPT: Normative Positive Theory

۱۱. Platform Governance and The Politics of Media Regulation: The Review of The European Audiovisual Media Services Directive

۱۲. Video-On-Demand Services in Latin America: Trends and Challenges Towards Access, Concentration and Regulation

۱۳. Media Freedom, Regulation and Trust: A Systematic Approach to Information Disorder

سرچشمه می‌گیرند، بلکه ساختار نهادی و نظام‌ها و فرآیندهای اجتماعی، تنظیم‌گری را شکل می‌دهند. (بالدوین و همکاران، ۲۰۱۲: ۵۳)

در این نظریه، سخن از فضای تنظیم‌گری^۷ یا نظام تنظیم‌گری^۸ است که در آن، نه تنها حکومت نقش بازی می‌کند، شبه مقررات‌گذارانی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها)، اتحادیه‌های صنفی و انجمن‌های فعال در صنعت نیز نقش بازی می‌کنند و در ساختار هرمی، از ابزارهای گوناگون با بازیگران مختلف کمک می‌گیرند. تنظیم‌گری هوشمند^۹ اروپا در این چارچوب نظری مطرح می‌شود.

(بالدوین و همکاران، ۲۰۱۲: ۲۶۶؛ مرگان و یئونگ، ۲۰۰۷: ۵۴)

نظریات تسخیر تنظیم‌گری: اندیشمندانی نظیر استیگلر، تنظیم‌گری را محصول تضارب منافع گروه‌های قدرت (قدرت‌های تجاری، سیاسی، و اجتماعی) برای استفاده از ابزارهای قدرت به منظور کسب منافع و مطامع سیاسی و اقتصادی خود می‌دانند. استیگلر بر این باور است که حمایت رگولاتورهای سیاسی از گروه‌ها و احزاب ذی‌نفع و برخی صنایع بزرگ، راه رسیدن به اهداف سیاسی را برای آن‌ها نزدیک‌تر و هموارتر می‌کند. (استیگلر، ۱۹۷۱)

این دیدگاه‌ها در قالب نظریات تسخیر تنظیم‌گری شناخته می‌شوند. از جمله نظریات در برگرفته تسخیر تنظیم‌گری می‌توان به «نظریات گروه‌های ذینفع» و «نظریات تالیوت» اشاره کرد:

نظریات گروه ذینفع: نظریات گروه‌های ذینفع در قالب دیدگاه‌های دو مکتب شیکاگو و ویرجینیا تعریف می‌گردد:

دیدگاه مکتب شیکاگو: اگرچه مفهوم اثرگذاری نهادهای قدرتمند بر عملکرد حاکمیت به منظور استفاده از قدرت حاکمیتی در راستای منافع شخصی سابقه طولانی دارد، اما به طور مشخص، در منابع اقتصادی، تنظیم‌گری با این مفهوم، توسط جورج استیگلر در مقاله «نظریه تنظیم‌گری اقتصادی» (استیگلر، ۱۹۷۱)، معرفی شد. بر طبق این نظریه، تنظیم‌گری بر مبنای منافع بنگاه‌ها و صنایع قدرتمند طراحی شده و اساساً در اثر فشار آن‌ها به منظور استفاده از قدرت حاکمیت در جهت تأمین منافع خود، شکل می‌گیرد.

نقد اصلی وارد بر نظریه استیگلر مبنای توسعه مدل‌های دیگری توسط اقتصاددانان مکتب شیکاگو گردید (پلتزمن، ۱۹۷۶؛ پازنر، ۱۹۷۱، ۱۹۷۴، ۱۹۷۵؛ بکر، ۱۹۸۳) که ایده آن‌ها لحاظ کردن فشار سایر ذینفعان، به جز بنگاه‌های ارائه‌کننده کالا و خدمات، در فرآیند تنظیم‌گری است. براساس این دیدگاه‌ها تنظیم‌گری فرآیندی نیست

ابعاد منفعت عمومی و در راستای آن، ضرورت وجود تنظیم‌گری را می‌توان در قالب عناوینی چون «ضرورت تنظیم‌گری از منظر سیاسی»، «ضرورت تنظیم‌گری از منظر ارتقای قابلیت و ظرفیت حکمرانی»، «ضرورت تنظیم‌گری از منظر نظریات اقتصادی»، «ضرورت تنظیم‌گری از منظر اقتصاد سیاسی» و «ضرورت تنظیم‌گری از منظر فنی- تخصصی» تعریف کرد.

نظریه منفعت خصوصی: در نظریه منافع خصوصی، توسعه رگولاتوری و تنظیم‌گری بر اساس منافع عمومی نیست بلکه در ارتباط با دغدغه‌های خاصی از گروه‌های ذینفع است. رویکرد متناظر با نظریه تنظیم‌گری اقتصادی^۱ است (بالدوین و همکاران، ۲۰۱۲: ۴۳؛ دکر، ۲۰۱۴: ۴۴) که در سال ۱۹۷۱ از سوی جرج استیگلر، برنده جایزه نوبل، مطرح شد و نقطه عطف مهمی در نظریه‌های تنظیم بود. این نظریه در پاسخ به این پرسش که «چرا تنظیم‌گری انجام می‌شود؟» استیگلر مجموعه فرض‌هایی را مطرح کرد و بر اساس آن‌ها پیش‌بینی کرد که چه صنایعی و به چه صورت باید تحت تنظیم‌گری قرار گیرند. (اسمیلیان، ۱۳۹۸: ۳۰)

نظریه منافع خصوصی و نظریه منافع عمومی، به ساختار نهادی توجهی ندارند. در نظریه تنظیم‌گری اقتصادی، منافع اقتصادی و منابع اهمیت زیادی دارد و نهادها در حاشیه قرار می‌گیرند. استیگلر به دنبال مبنای نظری برای مفهوم تصرف بود. این مفهوم با نهادها به عنوان موجودیت غیرفعال برخورد می‌کند. این نگرش، نتیجه منطقی زنجیره سیاست‌مداران، نهادهای تنظیم‌گر را کنترل می‌کند. در نتیجه سیاست‌های تنظیم‌گری، منعکس‌کننده توازن قدرت بین گروه‌های ذینفع است. (مجون، ۲۰۰۲: ۳۴)

نظریه‌های نهادگرایی: در امتداد تغییر دولت‌ها از دولت رفاه^۲، به دولت رگولاتو با تنظیم‌گر^۳، و بعد از آن به دولت پساتنظیم‌گر^۴ که از آن به مثابه دولت تدبیرگر نیز یاد می‌شود، مفهوم حکمرانی^۵ مطرح شد که مبنای نظری آن، نظریه نهادگرایی^۶ است. در حکمرانی، این اعتقاد وجود دارد که تفاوت‌های بین بازیگران خصوصی و عمومی و همچنین منافع عمومی و خصوصی، کم‌رنگ شده است. (مرگان و یئونگ، ۲۰۰۷: ۵۳)

همچنین هزینه‌ها و مزایایی که به بازیگران در بازی تنظیم مقررات تحمیل می‌شود و حاکی از رویکرد منافع خصوصی است، تحت شرایط خاصی منافع عمومی ایجاد می‌کند. این مهم نیست که علائق از کجا

۶. Institutionalism theory

۷. Regulatory Space

۸. Regulatory System

۹. Smart Regulation

۱. Economic Regulation Theory

۲. Welfare State

۳. Regulatory State

۴. Post-regulatory State

۵. Governance

تنظیم‌گری را از مسیر صحیح خود منحرف می‌کند. این مسئله در ادبیات فساد به صورت تفصیلی مورد توجه قرار گرفته است. در تحقیقات (دانکویچ و همکاران، ۲۰۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «مقررات ورود^۲»، با بررسی مقررات مربوط به بنگاه‌های اقتصادی به چرخه صنعت که با هدف پیشگیری از شکل‌گیری بنگاه‌های خلق الساعه و ناکارآ وضع شده‌اند نشان داد که مقررات سخت‌تر، نه تنها به بهبود کیفیت کالاها منجر نشده است، بلکه حجم فساد و اقتصاد غیررسمی را نیز افزایش داده است. او و همکارانش همچنین دریافتند که دولتهایی خوب شناخته می‌شوند که عموماً مقررات کم‌تری در رود به بنگاه‌ها اعمال می‌کنند. این یافته خود می‌تواند مؤید بر نظریات مکتب شیکاگو در خصوص تنظیم‌گری باشد.

روش انجام پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، کیفی، با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی-کتابخانه‌ای و تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته می‌باشد. ضمناً این پژوهش، از نوع کاربردی است، چرا که به کمک نتایج به دست آمده از آن، چالش‌هایی شناسایی شده و نسبت به سؤالاتی چالش برانگیز پیرامون مجوزدهی به رسانه‌ها توسط ساترا، پاسخ داده شده و روشنگری‌هایی صورت گرفت. و از آنجا که ماهیتی اکتشافی دارد فاقد فرضیه می‌باشد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. بر این اساس، مضمون فراگیر در هسته قرار داشته و مضامین سازمان‌دهنده، در نقش مضامین واسط میان مضامین فراگیر و پایه عمل کرده و مضمون پایه نیز بیانگر نکته اصلی و کلیدی متن است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این تحقیق هدفمند می‌باشد. زیرا برای این پژوهش از افرادی بهره گرفته شده که فهم و دانش کافی در حوزه پژوهش دارند. در این راستا، پژوهشگر به دنبال انتخاب افرادی بود که از اطلاعات دقیق نسبت به ابعاد مجوزدهی در سازمان ساترا، برخوردار باشند. بر این اساس، تعیین حجم نمونه تا هنگام اشباع مقوله‌ها تا ۱۴ مصاحبه ادامه یافت.

با توجه به موضوع پژوهش، جامعه مورد بررسی این پژوهش، مسئولین و کارشناسان مرتبط با حوزه مجوزدهی در ساترا، مدیران و صاحبان وی او دی‌ها در رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر می‌باشند. شایان ذکر است در طول مصاحبه‌های این پژوهش، صدای تمام مصاحبه‌شوندگان، ضبط و مستندسازی شده است.

یافته‌های پژوهش

برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر این که «چالش‌های

که صرفاً از فشار بنگاه‌ها ایجاد شود، بلکه تعادلی است که از گروه‌های مختلف ذینفع حاصل می‌شود. با در نظر گرفتن مدل اقدام جمعی^۱ (اولسون، ۱۹۶۵) و تعمیم آن می‌توان تنظیم‌گری را حاصل رقابت گروه‌های ذینفع مختلفی دانست که هریک به دنبال کسب رانت بیش‌تر و تقسیم آن در بین گروه خود هستند. بر مبنای این دیدگاه، (بکر، ۱۹۸۳) در «نظریه رقابت بین گروه‌های فشار برای اثرگذاری سیاسی» بیان میکند که تصمیمات سیاستی در نهایت به قدرت گروه‌های فشار بستگی خواهد داشت و رقابت بین این گروه‌ها در نهایت تعیین‌کننده تصمیماتی چون نرخ مالیات‌ها، یارانه‌ها و عوارض خواهد بود.

دیدگاه مکتب ویرجینیا: (تولیسون، ۱۹۹۸) بر این باور است که مکتب ویرجینیا، بیش‌تر بر هزینه لابی‌گری گروه‌های ذینفع اشاره دارد در حالی که در مکتب شیکاگو، تمرکز بر چگونگی لابی گروه‌های ذینفع و اثرات آن بر تنظیم‌گری است.

(تالاک، ۱۹۷۶) بر این باور است که در این فرآیند، علاوه بر کاهش رفاه ناشی از شکل‌گیری انحصار، بخشی از منابع نیز صرف چانه‌زنی و رقابت گروه‌های فشار به منظور کسب قدرت بازار شده و در نهایت تلاش دیگری صرف حفظ آن و ممانعت از غلبه سایر گروه‌های ذینفع می‌شود.

در مجموع می‌توان گفت که بر اساس دیدگاه‌های دو مکتب شیکاگو و ویرجینیا، مداخلات تنظیم‌گری تنها برای حفظ منافع عمومی نبوده و حفظ منافع ناشی از رانت‌های انحصاری نیز در کانون توجه قرار دارند. در این نظریات نقش عنصر حاکمیتی یا تنظیم‌گر در واقع واسطه‌گری بین گروه‌های ذینفع به منظور ایجاد تعادلی در تقسیم منافع حاصل از تنظیم‌گری است.

نظریات تالبوث: این نظریه بر این باور است که تنظیم‌گری به دنبال منافع سیاست‌مداران و بروکرات‌ها است. (مک چسنی، ۱۹۸۷؛ دی سوتو، ۱۹۹۰؛ شلايفر و ویشنی، ۱۹۹۸)

سیاست‌مداران از تنظیم‌گری برای ایجاد رانت و نیز دریافت آن از طریق کمپین‌های تبلیغاتی، رأی‌گیری و رشوه، استفاده می‌کنند. (دانکویچ و همکاران، ۲۰۰۲)

(شلايفر و ویشنی، ۱۹۹۳) علت وجود تنظیم‌گری را این گونه توضیح می‌دهند: «دلیل مهمی که چرا بسیاری از این مجوزها و مقررات وجود دارد احتمالاً این است که به مقامات قدرت انکار آن‌ها و گرفتن رشوه در ازای ارائه مجوزها را بدهد». بر این اساس در کشورهایی که قوانین و نهادهای نظارتی ناکارآ هستند، مواردی چون رشوه دادن و تبانی با مدیران دولتی به عنوان راهکاری برای ادامه حیات کسب‌وکارها و فعالیت‌های اقتصادی بروز کرده و

^۲. The Regulation of Entry

^۱. Collective Action

تمایل بیش‌تر پلتفرم‌ها به پیروی از دستورالعمل‌های محتوایی ساترا می‌تواند در حل این چالش کمک شایانی داشته باشد. در بعد حقوقی، علی‌رغم قوانین وضع شده که به حمایت از ساترا تدوین شده‌اند، همچنان خلاء وجود قوانین ریزتر در فضای مجازی، تنظیم‌گری و قوانین حمایت‌کننده از جایگاه حقوقی ساترا و پوشش‌دهنده دستورالعمل‌ها و مقررات آن که در مجامع قضایی قابل استناد باشند، احساس می‌گردد. بر این اساس، به سبب نبود قوانین مکفی، به هنگام پیگیری در مراجع قضایی، ضمن مواجه شدن مسئولین با موانع و قلت قوانین حمایت‌کننده، قادر به انجام وظیفه حقیقی خود به عنوان یک نهاد تنظیم‌گر نخواهد بود. بر همین اساس با تدوین و تصویب قوانین تنظیم‌گری و نیز هویت بخشی حقوقی به ساترا از جانب مجلس شورای اسلامی، به ساترا در پیگیری پرونده‌های قضایی و شکایات محتمله کمک شایانی می‌کند. در بعد اقتصادی عدم تعریف منبع درآمدی پایدار از جانب ساترا برای پلتفرم‌ها سبب شده است که عمده تکیه آن‌ها در گام اول بر روی اقتصاد ترافیک بوده و در گام بعدی به تبلیغات و قابلیت خرید اشتراک تأکید داشته باشند. از این رو سبب می‌گردد که عدم تعریف سبک درآمدی به روز و مناسب، برخی پلتفرم‌ها را به سودجویی و کسب درآمد از هر سه راه سوق دهد. گرچه ساترا اقداماتی نیز داشته و امکاناتی را برای تولیدکنندگان آثار فراهم ساخته است که بتوانند مستقل از پلتفرم‌ها، درآمد داشته باشند. علاوه بر چالش‌های مذکور، سیاست‌های انحصارزدایی ساترا که در باطن هدف مثبتی را دنبال می‌کنند، سبب شده است که تنها اندکی از انحصار حاکم بر بازار کاسته شود و همچنان پلتفرم‌هایی قدرتمندتر از دیگر سکوها فعالیت داشته باشند. همچنین سیاست انحصارزدایی در کنار اثرات مثبت خود، پیامدهای منفی‌ای نیز به دنبال داشته و پلتفرم‌ها را ناخودآگاه به سمت ابتذال و لمپنیسم هدایت می‌سازد تا بدین ترتیب بتوانند در میدان رقابت، بر دیگر پلتفرم‌ها فایز آیند. از دیگر مسائل پر بسامد در امر مجوزدهی، ساختار رتبه‌بندی پلتفرم‌ها است که در واقع در راستای تسهیل‌گری‌های گفته شده اعمال گردیده است. مبهم بودن این فرآیند برای پلتفرم‌ها و بی‌اطلاعی آن‌ها از نحوه فرآیند مجوزدهی از دیگر مشکلات حاکم بر سیاست‌گذاری‌های ساترا است. اگر چه این ابهام تنها به رتبه‌بندی محدود نشده و در موارد دیگر، مثل وعده‌های عمل نشده و نیز بسته‌های محتوایی غیر کاربردی منجر به اتلاف هزینه‌های انجام شده در راستای تسهیل‌گری گردیده است. از رایج‌ترین چالش‌های ساترا، ضعف این نهاد تنظیم‌گر در معرفی و تبلیغ خود در فضای مجازی است. این نهاد با فروگذاری در تبلیغات درست و هدفمند در فضای مجازی و بسنده کردن تنها به اداره یک سایت به جهت اطلاع‌رسانی سبب شده است که در مقابل گرداب رسانه‌ها عملکردی خنثی و بی‌دفاع داشته باشد و قادر نباشد

سیاست‌گذاری‌های ساترا در زمینه مجوزدهی به رسانه‌ها کدامند؟»، پس از انجام مصاحبه و رسیدن به اشباع با ۱۴ نفر از مالکین پلتفرم‌های دارای مجوز قطعی، غیر قطعی، درخواست‌دهنده برای اخذ مجوز غیر قطعی و مسئولین ساترا، متون مصاحبه پس از صرف زمان و بررسی، جمعاً ۲۰۷ شاخص در قالب مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه دسته‌بندی شد. این شاخص‌ها در ۴ دسته کلی قابل تفکیک هستند، که به شرح ذیل فهرست می‌شوند: (جداول ۱،۲،۳،۴ و شکل‌های ۱،۲،۳،۴)

* ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر

* مجوزدهی ساترا

* چالش‌های حوزه رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر از منظر ساترا

* عملکرد ساترا در حوزه مجوزدهی از منظر پلتفرم‌ها

نتیجه‌گیری

پاسخ به سؤالات پژوهش

سؤال اصلی پژوهش: «چالش‌های سیاست‌گذاری‌های ساترا در زمینه مجوزدهی به رسانه‌ها کدامند؟ در پاسخ باید گفت: در فرآیند این پژوهش، پس از انجام مصاحبه با ۱۴ نفر از کارشناسان که متشکل از مسئولین ساترا و مالکین پلتفرم‌های دارای مجوز قطعی، غیر قطعی، لغو مجوز یا در حال اخذ مجوز بود، جمعاً ۲۰۷ کد استخراج گردید که متشکل از ۴ کد فراگیر، ۴۳ کد سازمان‌دهنده و ۱۶۰ کد پایه است. با توجه به کدهای به دست آمده می‌توان عنوان داشت که چالش‌های سیاست‌گذاری ساترا در زمینه مجوزدهی به رسانه‌ها، در ابعاد فنی، محتوایی، حقوقی و اقتصادی از منظر ساترا و پلتفرم‌ها احصا گردید. بر این اساس می‌توان عنوان داشت که در بعد فنی، ضعف امکانات ساترا در نظارت لحظه‌ای و همچنین نبود سرور روم متمرکز از جمله چالش‌های فنی آن محسوب می‌شود. در همین حین، ضعف امکانات فنی پلتفرم‌ها نیز سبب شده است تا ساترا در صدور مجوز قطعی برای آنان درنگ کرده و خواهان به روزرسانی پلتفرم‌ها باشد تا شرایط لازم که در آیین نامه و دستورالعمل داخلی ساترا قید شده است، فراهم گردد. در بعد محتوایی، به سبب ممیزی‌های سلیقه‌ای که میان مدیران و کارشناسان مختلف بعضاً متفاوت است و رنگ و بوی تلویزیونی دارد و نیز لزوم توجه به فرهنگ رایج و عرف حاکم بر کشور در عین در نظر داشتن حفظ احترام و توجه به خطوط قرمز جامعه نظیر خانواده، فرزندان، روابط عاشقانه، و امید آفرینی، سبب شده است که اختلاف نظری میان آنچه که ساترا می‌خواهد و آزادی‌هایی که پلتفرم‌ها خواستار آن هستند، فاصله‌ای ایجاد شود. از این رو بروزرسانی طرز تفکر مسئولان و کارشناسان ساترا و

مصاحبه با مالکین پلتفرم‌ها است، این نتیجه به دست آمده است که پلتفرم‌ها از عملکرد ساترا و همراهی آن با بخش خصوصی رضایت کافی دارند و عمده اختلافات در مضمون سازمان‌دهنده «نقاط ضعف ساترا و گلابه‌های پلتفرم‌ها» قید شده است که بر محور سخت‌گیری‌های ساترا در حوزه ممیزی‌ها و پایش محتوایی است. شایان ذکر است که این سخت‌گیری‌ها در مرحله ابتدای صدور مجوز نبوده و در خلال ادامه فعالیت پلتفرم‌ها یا درخواست اخذ مجوز قطعی بیش‌تر احساس می‌گردد. بر این اساس می‌توان گفت که سیاست‌های اقتصادی ساترا مقوم فعالیت پلتفرم‌ها بوده و با وجود نیازمندی به تقویت، مانعی برای ادامه فعالیت پلتفرم‌ها نبوده و همچنان مشوق آن‌ها است.

سؤال فرعی ۳: «چه راه‌هایی به جهت جلوگیری از انحصار در روند مجوزدهی وجود دارد؟» می‌توان گفت: در مضمون سازمان‌دهنده «سیاست انحصارزدایی ساترا» که ذیل مضمون فراگیر «ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر» قرار دارد، نتیجه حاصل شد که سیاست‌های اقدامی ساترا در این زمینه با تعدد صدور مجوز و نیز برقراری و ایجاد فضای رقابتی تعریف می‌گردد. همچنین با استناد به مضمون سازمان‌دهنده «تسخیر تنظیم‌گری ساترا» که ذیل مضمون فراگیر «ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر» تعریف شده است، می‌توان به این پاسخ دست یافت که عامل بسیار تأثیرگذار بر اختلال در فرآیند مجوزدهی، ایجاد انحصار و سوء مدیریت ساترا می‌تواند باشد. این سوء مدیریت در قالب تعارض منافع جلوه‌نمایی میکند. بر همین اساس در این مضمون فراگیر، به تعریف درست از تعارض منافع و برداشت اشتباهی که از این تعریف شده اشاره گردیده است و در مقابل سیاست‌های حمایت مدارانه ساترا که در واقع مقابل تعریف تعارض منافع قرار دارند، مطرح شده است.

سؤال فرعی ۴: «چه راه‌هایی جهت تسهیل‌گری در روند مجوزدهی وجود دارد؟» می‌توان گفت: در مضمون سازمان‌دهنده «تسهیل‌گری‌های ساترا» که ذیل مضمون فراگیر «ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر» به انواع تسهیل‌گری‌های ساترا و امتیازاتی که برای پلتفرم‌ها قائل می‌شود اشاره شده است. همچنین در مضمون سازمان‌دهنده «سطوح جدید مجوزدهی» که ذیل مضمون فراگیر «مجوزدهی ساترا» قرار دارد، به تغییر ساختار مجوزدهی و دسته‌بندی آن‌ها و تسهیلاتی که به پلتفرم‌ها به تناسب انواع مجوز تعلق می‌گیرد، شرح داده شده است. از این رو با توجه به مضامین مذکور می‌توان عنوان داشت که ساترا تسهیل‌گری‌هایی را عمدتاً در قالب بسته‌ها محتوایی یا برگزاری نمایشگاه یا آی فریم به صورت رایگان در اختیار پلتفرم‌ها قرار داده است و این روند تسهیل‌گری نیز همچنان ادامه دارد. اما این تسهیل‌گری‌ها نیازمند بازنگری بوده و می‌بایست بسته‌های محتوایی که به پلتفرم‌ها تعلق

که ساده‌ترین فرآیندهای خود را به شکلی مناسب برای مخاطبین و مالکین رسانه‌ها شفاف‌سازی نماید.

سؤالات فرعی پژوهش: سؤال فرعی ۱: «آیا ساترا از صلاحیت و جایگاه حقوقی به منظور صدور مجوز برخوردار است؟» می‌توان گفت: همان‌طور که در مضمون سازمان‌دهنده «ابعاد حقوقی حمایت‌کننده از ساترا» که ذیل مضمون فراگیر «ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر» گفته شد، اصول ۴۴ و ۱۵۷ قانون اساسی، استفساریه شورای نگهبان و نیز مصوبه اخیر شورای نگهبان، از رسالت این نهاد در زمینه مجوزدهی به رسانه‌های حوزه صوت و تصویر فراگیر حمایت می‌کند. با این حال در مضمون سازمان‌دهنده «چالش‌های حقوقی ساترا» که ذیل مضمون فراگیر «چالش‌های رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر از منظر ساترا» قرار دارد، گفته شده است که قلت قوانین سبب شده است که علی‌رغم قوانین موجود، چندان جایگاه ساترا تثبیت نشده و نیازمند هم‌گرایی نهادی و همکاری آن‌ها به جهت حل این معضل است. بر همین اساس می‌توان گفت که ساترا با توجه به قوانین موجود واجد شرایط مجوزدهی به رسانه‌های حوزه صوت و تصویر فراگیر می‌باشد اما این قوانین آن‌گونه که باید، مواد جزئی را شامل نشده و خلاءهای بسیاری در آن‌ها احساس می‌گردد که نیازمند بررسی و تصویب قوانین مکمل و دقیق‌تر است.

سؤال فرعی ۲: «سیاست‌گذاری‌های ساترا در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی چگونه است؟» می‌توان گفت: در فرآیند مجوزدهی، از مراحل مورد توجه کارشناسان ساترا، پایش محتوایی است. در این مرحله به مسائل اجتماعی و فرهنگی توجه ویژه‌ای می‌گردد. بر این اساس می‌توان به ابعاد سیاست‌گذاری‌های ساترا در ابعاد فرهنگی و اجتماعی، در هنگام پایش محتوایی پی برد. از این رو در مضامین سازمان‌دهنده «ابعاد فرهنگی مورد توجه در سیاست‌گذاری‌های ساترا» و «ساترا و منفعت عمومی» که ذیل مضمون فراگیر «ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر» قرار دارند، می‌توان به این مهم دست یافت که ساترا سیاست‌های فرهنگی خود را در راستای حفظ کانون جامعه تدوین و تنظیم کرده است. در واقع با نگاهی حمایتی نسبت به جامعه و مسائل اجتماعی و فرهنگی تدوین گردیده است. در پاسخ به سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ساترا نیز می‌توان عنوان داشت که در مضمون سازمان‌دهنده «ساترا و منفعت خصوصی» که ذیل مضمون فراگیر «ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر» است، به دغدغه‌مندی ساترا برای کمک به بخش خصوصی با سیاست‌های اقتصادی خود اشاره دارد. همچنین در مضمون سازمان‌دهنده «نقاط قوت ساترا» که ذیل مضمون فراگیر «عملکرد ساترا در حوزه مجوزدهی از منظر پلتفرم‌ها» که حاصل

تنظیم‌گری است، می‌توان فعالیت ساترا را نیز در همین مسیر عنوان داشت. به عبارتی ساترا با پیشگیری شکست بازار و بروز انحصار، از سقوط بازار و متضرر شدن بخش خصوصی و دیگر بازیگران این عرصه حفاظت کرده و بستری عادلانه در حوزه رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر فراهم می‌سازد.

ضرورت تنظیم‌گری از منظر اقتصاد سیاسی: از اصلی‌ترین موضوعات مورد اشاره در این حوزه، کنترل رانت و آسیب رساندن به صاحبان قدرت و نفوذ به منفعت عمومی جامعه است. ساترا با تعریف دستورالعمل تعارض منافع، از بروز هر گونه تعارض منافع پیشگیری کرده و بدین ترتیب احتمال بروز تضارب منافع را به حداقل رسانده است. این امر در حالی است که ساترا از معاونت‌های سازمان صدا و سیما بوده و سازمان صدا و سیما نیز اکنون به عنوان بازیگر فعال در عرصه وی‌ا‌دی‌ها، در قالب تلویزیون فعالیت دارد. این امر خود یک تضاد منافع نهان را سبب می‌شود.

نظریه منفعت خصوصی: در این نظریه منافع اقتصادی و منابع اهمیت زیادی پیدا می‌کند. در واقع سیاست تنظیم‌گری، در امتداد توازن قوا در میان گروه‌های ذینفع است. بر این اساس و نظر به آنکه از اهداف ساترا حفظ تعادل میان رسانه‌های فعال در بستر صوت و تصویر فراگیر است، با مانع‌زدایی و تسهیل فرآیند مجوزدهی در صدور مجوز برای رسانه‌ها، سعی در آن دارد که از بروز انحصار جلوگیری کرده و فضایی عادلانه فراهم سازد. اگرچه با در نظر گرفتن سقفی برای پلتفرم‌ها، از رشد بیش از حد یک پلتفرم جلوگیری کند، می‌تواند فضایی عادلانه‌تر ایجاد کند. بدین ترتیب دیگر پلتفرم‌ها در سایه حضور رسانه‌های بزرگ‌تر کم‌رنگ نمی‌شوند.

نظریه تسخیر تنظیم‌گری: در این نظریه، تعریف مکتب شیکاگو بیش از دیدگاه مکتب ویرجینیا به بطن عملکرد ساترا نزدیک است. بر اساس دیدگاه مکتب شیکاگو، ساترا که از قدرت‌های حاکمیت محسوب می‌شود، به سبب آنکه معاونت سازمان صدا و سیما بوده و متصل به آن است، خواسته یا ناخواسته، امکانات و شرایطی را برای پلتفرم تلویزیون فراهم آورده است که منجر به تسخیر تنظیم‌گری شده است.

نظریه دولت تنظیم‌گر: بر طبق این نظریه دولت تنظیم‌گر، دولتی است که در سطحی وسیع و به شکل رسمی و یا غیر رسمی با استفاده از دستگاه دیوان سالاری خود به وضع، پایش و اجرای قاعده می‌پردازد و در واقع، کار ویژه‌های تنظیم‌گری در دولت بوده و امور تصدی گرایانه به بخش‌های غیر دولتی سپرده می‌شود. ابزار تنظیم‌گری در این نظریه نیز، قوانین مصوب مجلس است. بر این اساس می‌توان گفت فعالیت ساترا، مرتبط با این نظریه است. چرا که قوانین تثبیت‌کننده جایگاه ساترا و قوانین‌های درون سازمانی

می‌گیرد، به حوزه فعالیتی آن‌ها مرتبط بوده و نیز محتواهایی نباشد که به صورت تکراری در اختیار همه پلتفرم‌ها قرار گرفته و ثمره‌ای را به ارمغان نداشته باشد. در این صورت پلتفرم‌ها دیگر تمایلی به بهره‌مندی از این نوع از تسهیل‌گری نشان نداده و اتلاف هزینه را باعث خواهد شد. در واقع می‌بایست یک نیازسنجی صحیح انجام شده و تسهیل‌گری‌هایی هدفمندتر و سودمندتر انجام پذیرد.

کار بست چارچوب نظری

نظریه منافع عمومی: اولین بار نظریه منافع عمومی برای توجیه اعمال اداری و پوشاندن کاستی‌های نظریه خدمات عمومی عنوان گردید. در این نظریه اهداف عمومی و جمعی به جهت رفاه عمومی دنبال می‌شود. بر همین اساس در این پژوهش نیز به دست آمد که ساترا با در نظر گرفتن اهداف و سیاست‌گذاری‌هایی که بخشی از آن‌ها حامی منفعت عمومی و مخاطبین است، سعی در حفاظت از جامعه و فرهنگ دارد. ابعاد منفعت عمومی و ضرورت وجود تنظیم‌گری در قالب عناوینی چون ضرورت تنظیم‌گری از منظر سیاسی، و ظرفیت حکمرانی اقتصادی و اقتصاد سیاسی تعریف می‌گردد.

ضرورت تنظیم‌گری از منظر سیاسی: ایجاد نظام‌های بازیگری در واقع گویای مشارکت فعالین این حوزه در امر تنظیم‌گری حاکم می‌باشد. از این رو استقرار تنظیم‌گری با مشارکت بازیگران و فعالیت بخش‌ها از گوشه‌گیری اجتماعی و به حاشیه راندن گروه‌های حرفه یا جلوگیری می‌کند. دخیل کردن بازیگران مختلف باعث افزایش هم‌گرایی اجتماعی نیز می‌شود. از این رو عملکرد ساترا در تشکیل رستا و درگیر کردن نماینده از مالکین پلتفرم‌ها در این گروه را می‌توان قدمی در مسیر این نظریه دانست.

ضرورت تنظیم‌گری از منظر قابلیت و ظرفیت حکمرانی: از دلایل دیگر استقرار نظام تنظیم‌گری، ظرفیت‌های دولت در امر حکمرانی است. از سویی دیگر تنظمی‌گری، جزئی از نظام حکمرانی است که بدون تحمیل بار مالی جدیدی بر دولت، منجر به گسترش قلمرو نظام حکمرانی و دایره نفوذ دولت می‌شود. بر همین اساس می‌توان عملکرد ساترا را بدین صورت ارزیابی کرد که در عین آنکه بدنه آن از جنس حاکمیت است، به لحاظ مالی باری بر ذمه حکمرانی محسوب می‌شود. در واقع این نهاد تنظیم‌گر به سبب آنکه از بدنه حاکمیت استفاده می‌کند، همچنان حاکمیت را متضرر آسیب‌های مالی می‌سازد اما با توجه به سببه تخصصی این نهاد در امر بروکست، می‌توان فعالیت آن را توجیه‌پذیر دانست.

ضرورت تنظیم‌گیر از منظر اقتصادی: از آن جایی که مسائل اقتصادی و جلوگیری از شکست بازار، بروز انحصار، قیمت‌گذاری غارت‌گرانه و نابرابری از وظایف و اهداف اصلی

همکاری بین نهادی، قدرت و اختیارات لازم را داشته و از رصد و ارزیابی فراتر رفته و بیش از پیش جلوه و کسوت واقعی یک نهاد تنظیم‌گر را داشته باشد. به عبارتی بتواند علاوه بر نظارت، قوانین مربوطه را به صورت قوانین محکمه پسند به تصویب برساند و بتواند خود به عنوان یک نهاد تنظیم‌گر، خاطیان را مجازات نماید. بدین ترتیب از حوزه قدرت بیش‌تری بهره‌مند شده و فعالیت‌های این سازمان مثمر‌تر خواهد بود.

پیشنهاد می‌شود که ساترا به لحاظ درآمدی وابستگی خود به سازمان صدا و سیما را تقلیل دهد این سیاست می‌تواند مشوق و انگیزه‌ای برای بهبود بخشی در ارائه خدمات باشد و هم می‌تواند هزینه‌ای ارتقای امکانات و زیرساخت‌های ساترا را تأمین نماید.

ساترا نیز بر اساس و مرتبط با قوانین مجلس شورای اسلامی است. که آن را به پایش و اجرای قاعده پرداخته است.

پیشنهادات کاربردی پژوهش

* پیشنهاد می‌شود که در قدم اول، ساترا به عنوان یک نهاد تنظیم‌گر با امکانات بیش‌تری خود را به مخاطبین و رسانه‌های متقاضی ورود به حوزه رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر معرفی و دامنه عملکردهای خود را آشکارتر سازد. همچنین با روشنگری‌های درست و بسنده نکردن به اطلاع رسانی از طریق سایت ساترا، واکنش بهتری در مقابل هجمه‌های رسانه‌ای نشان داده و موضع منفعلانه کم‌تری داشته باشد. به تعبیری با توجه به اینکه ساترا در بستر فضای مجازی فعالیت دارد، شایسته است که این معاونت، از کلیشه‌های سازمانی فاصله گرفته و محتواهای انحصاری در معرفی حوزه فعالیت خود تولید نماید.

* پیشنهاد می‌شود امکانات نظارت ساترا برای پیگیری تخلفات افزایش یافته و از جدیدترین امکانات روز دنیا بهره‌مند شوند تا بدین ترتیب به عنوان یک نهاد ناظر، قدرت بالایی را در میدان از خود نشان داده و واکنش‌های تأثیرگذارتری را نشان دهند.

* پیشنهاد می‌شود بسته‌های محتوایی که تحت لوای تسهیل‌گری‌های ساترا در اختیار پلتفرم‌ها قرار داده می‌شود، ارزیابی شود. با توجه به تفاوت حوزه فعالیت پلتفرم‌ها، بسته‌های محتوایی یکسان قادر به تأمین نیاز دسته‌های مختلف نخواهد شد.

* پیشنهاد می‌شود که پیرامون قابلیت پخش زنده پلتفرم‌ها تصمیمی قاطع اتخاذ شود. سیاست‌های دوگانه در این زمینه موجب دلسردی پلتفرم‌های پیرو قانون می‌شود. بر همین روند ممکن است پلتفرم‌های پیرو خطوط قرمز نیز به سمت سرکشی از قوانین متمایل شوند. اگر هم بنا به ایجاد گشایشی در زمینه اعطای مجوز پخش زنده است، بهتر است که بستر حقوقی لازم سریع‌تر فراهم گردد تا از ابهامات پیش رو و آسیب‌های آینده پیشگیری شود. چرا که همواره ورود دیر هنگام به یک موضوع، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به همراه داشته است.

پیشنهاد می‌شود در صورت همکاری قوه قضائیه، یک شعبه مستقل از قوه قضائیه در این سازمان تنظیم‌گری مشغول به فعالیت باشد تا سرعت رسیدگی به پرونده‌های این نهاد تنظیم‌گر سرعت یافته و پیش‌تیبانی قوه قضائیه نیز بیش از پیش احساس گردد.

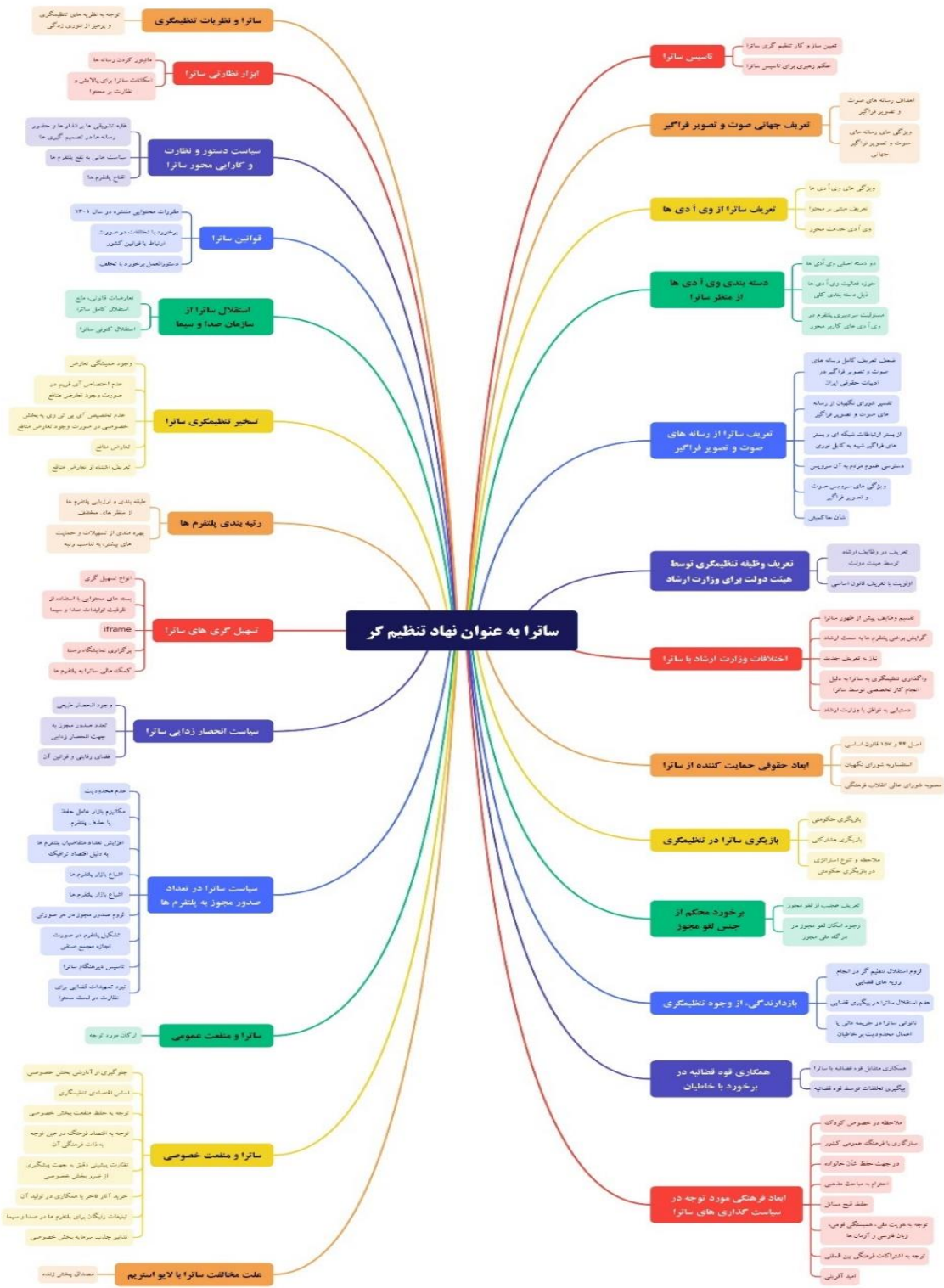
پیشنهاد می‌شود با توجه به آنکه نهاد تنظیم‌گر در سایر کشورها به عنوان یک نهاد فرا قوه‌ای عمل می‌کند، ساترا نیز با عنایت و

جدول شماره ۱ - شاخص‌های مضمون فراگیر ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر

ردیف	مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	ارجاعات مصاحبه شونده‌گان
۱		تأسیس ساترا	تعیین سازوکار تنظیم‌گری ساترا	۳
۲			حکم رهبری برای تأسیس ساترا	۵،۳
۳		تعریف جهانی صوت و تصویر فراگیر	اهداف رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر	۵
۴			ویژگی‌های رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر جهانی	۵
۵		تعریف ساترا از رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر	ضعف تعریف کامل رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در ادبیات حقوقی ایران	۱،۳
۶			تفسیر شورای نگهبان از رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر	۵،۶
۷	تعریف داخلی از رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر	از بستر ارتباطات شبکه‌ای و بسترهای فراگیر شبیه به کابل نوری	دسترسی عموم مردم به آن سرویس	۵،۶،۱
۸			ویژگی‌های سرویس صوت و تصویر فراگیر	۷،۶،۲
۹			شان حاکمیتی	۳
۱۰			ویژگی‌های وی‌ا‌دی‌ها	۵
۱۱	تعریف ساترا از وی‌ا‌دی‌ها		تعریف مبتنی بر محتوا	۵،۱
۱۲			وی‌ا‌دی‌خدمت محور	۵
۱۳			۲ دسته اصلی وی‌ا‌دی‌ها	۳،۱
۱۴	ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر	وی‌ا‌دی	حوزه فعالیت وی‌ا‌دی‌ها ذیل دسته‌بندی کلی	۳
۱۵			مسئولیت سردبیری پلتفرم در وی‌ا‌دی‌های کاربر محور	۳
۱۶			تعریف وظیفه تنظیم‌گری توسط هیئت دولت برای وزارت ارشاد	۵
۱۷	اختلافات وزارت ارشاد با ساترا		اولویت با تعریف قانون اساسی	۵
۱۸			تقسیم وظایف پیش از ظهور ساترا	۵،۶
۱۹			گرایش برخی پلتفرم‌ها به سمت ارشاد	۷
۲۰			نیاز به تعریف جدید	۶
۲۱			واگذاری تنظیم‌گری به ساترا به دلیل انجام کار تخصصی توسط ساترا	۶
۲۲			دستیابی به توافق با وزارت ارشاد	۶،۷
۲۳	ابعاد حقوقی حمایت‌کننده از ساترا		اصل ۴۴ و ۱۵۷ قانون اساسی	۵،۶
۲۴			استفساریه شورای نگهبان	۵
۲۵			مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی	۷،۶،۵،۴
۲۶	بازیگری ساترا در تنظیم‌گری		بازیگری حکومتی	۵،۶
۲۷			بازیگری مشارکتی	۵
۲۸			ملاحظه و تنوع استراتژی در بازیگری حکومتی	۵
۲۹				

۳۰	برخورد محکم از جنس لغو مجوز	تعریف عجیب از لغو مجوز	۳۰
۳۱		وجود امکان لغو مجوز در درگاه ملی مجوز	۳۱
۳۲		اعمال قدرت	۳۲
۳۳	بازدارندگی، از جوه تنظیم‌گری	لزوم استقلال تنظیم‌گر در انجام روبه‌های قضایی	۳۳
۳۴		عدم استقلال ساترا در پیگیری قضایی	۳۴
۳۵		ناتوانی ساترا در جریمه مالی یا اعمال محدودیت بر خاطیان	۳۵
۳۶		همکاری قوه قضائیه در برخورد با خاطیان	۳۶
۳۷		پیگیری تخلفات توسط قوه قضائیه	۳۷
۳۸	ابعاد فرهنگی مورد توجه در سیاست‌گذاری‌های ساترا	ملاحظه در خصوص کودک	۳۸
۳۹		سازگاری با فرهنگ عمومی کشور	۳۹
۴۰		در جهت حفظ شأن خانواده	۴۰
۴۱		احترام به مباحث مذهبی	۴۱
۴۲		حفظ قبح مسائل	۴۲
۴۳		توجه به هویت ملی، همبستگی قومی، زبان فارسی و آرمان‌ها	۴۳
۴۴		توجه به اشتراکات فرهنگی بین‌المللی	۴۴
۴۵		امید آفرینی	۴۵
۴۶		علت مخالفت ساترا با پخش زنده	مصدق پخش زنده
۴۷	ساترا و منفعت خصوصی	جلوگیری از آنارسی بخش خصوصی	۴۷
۴۸		اساس اقتصادی تنظیم‌گری	۴۸
۴۹		توجه به حفظ منفعت بخش خصوصی	۴۹
۵۰		توجه به اقتصاد فرهنگ در عین توجه به ذات فرهنگی آن	۵۰
۵۱		نظارت پیشینی دقیق به جهت پیشگیری از ضرر بخش خصوصی	۵۱
۵۲		خرید آثار فاخر یا همکاری در تولید آن	۵۲
۵۳		تبلیغات رایگان برای پلتفرم‌ها در صدا و سیما	۵۳
۵۴		تدابیر جذب سرمایه بخش خصوصی	۵۴
۵۵	ساترا و منفعت عمومی	ارکان مورد توجه	۵۵
۵۶	سیاست ساترا در تعداد صدور مجوز به پلتفرم‌ها	عدم محدودیت	۵۶
۵۷		مکانیزم بازار عامل حفظ یا حذف پلتفرم	۵۷
۵۸		افزایش تعداد متقاضیان پلتفرم‌ها به دلیل اقتصاد ترافیک	۵۸
۵۹		اشباع بازار پلتفرم‌ها	۵۹
۶۰		لزوم صدور مجوز در هر صورتی	۶۰
۶۱		تشکیل پلتفرم در صورت اجازه مجمع صنفی	۶۱

۶	تأسیس دیر هنگام ساترا		۶۲
۱	نبود تمهیدات قضایی برای نظارت در لحظه محتوا		۶۳
۳	وجود انحصار طبیعی	سیاست انحصارزدایی ساترا	۶۴
۱،۳	تعدد صدور مجوز به جهت انحصارزدایی		۶۵
۳،۵	فضای رقابتی و قوانین آن		۶۶
۵	انواع تسهیل‌گری	تسهیل‌گری‌های ساترا	۶۷
۳	بسته‌های محتوایی با استفاده از ظرفیت تولیدات صدا و سیما		۶۸
۳،۵	آی فریم		۶۹
۳	برگزاری نمایشگاه رستا		۷۰
۳	کمک مالی ساترا به پلتفرم‌ها		۷۱
۵،۳	طبقه‌بندی و ارزیابی پلتفرم‌ها از منظرهای مختلف	رتبه‌بندی پلتفرم‌ها	۷۲
۱،۳،۵	بهره‌مندی از تسهیلات و حمایت‌های بیش‌تر، به تناسب رتبه		۷۳
۳،۵	وجود همیشگی تعارض	تسخیر تنظیم‌گری ساترا	۷۴
۳	عدم اختصاص آی فریم در صورت وجود تعارض منافع		۷۵
۳	عدم تخصیص آی پی تی وی به بخش خصوصی در صورت وجود تعارض منافع		۷۶
۱،۳،۶،۷	تعارض منافع		۷۷
۷	تعریف اشتباه از تعارض منافع		۷۸
۵	تعارضات قانونی، مانع استقلال کامل ساترا	استقلال ساترا از سازمان صدا و سیما	۷۹
۲	استقلال کنونی ساترا		۸۰
۴	مقررات محتوایی منتشره در سال ۱۴۰۱	قوانین ساترا	۸۱
۴	برخورد با تخلفات در صورت ارتباط با قوانین کشور		۸۲
۴	دستورالعمل برخورد با تخلف		۸۳
۳،۶	غلبه تشویقی‌ها بر انذارها و حضور رسانه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها	سیاست دستور و نظارت و کارایی محور ساترا	۸۴
۷	سیاست‌هایی به نفع پلتفرم‌ها		۸۵
۶	اقتناع پلتفرم‌ها		۸۶
۳	مانیتور کردن رسانه‌ها	ابزار نظارتی ساترا	۸۷
۱	امکانات ساترا برای پالایش و نظارت بر محتوا		۸۸
۶	توجه به نظریه‌های تنظیم‌گری و پرهیز از تئوری زدگی	ساترا و نظریات تنظیم‌گری	۸۹



Presented with xmind

شکل شماره ۱- عکس شاخص‌های مضمون فراگیر ساترا به عنوان نهاد تنظیم گر

جدول شماره ۲ - شاخص‌های مضمون مجوزدهی ساترا

ارجاعات مصاحبه‌شوندگان	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر	ردیف
۳	آغاز فعالیت در قالب معاونت صدور مجور	تاریخچه اداره کل مجوزدهی ساترا	مجوزدهی ساترا	۱
۳	از ارکان اصلی ساترا			۲
۳	دستورالعمل فعالیت اداره کل صدور مجوز ساترا			۳
۵	مجوزدهی به عنوان ابزار تنظیم‌گری	مجوزدهی به عنوان ابزار	مجوزدهی ساترا	۴
۳،۵	مجوز قطعی و غیر قطعی	انواع مجوز		۵
۳	مدت اعتبار مجوز قطعی و غیر قطعی			۶
۳	قابلیت تمدید مجوز غیر قطعی			۷
۳	برگزاری دوره آموزشی با قوانین و مقررات ساترا در مجوز غیر قطعی			۸
۵	نوع و شکل الزامات	الزامات و مراحل صدور مجوز قطعی و غیر قطعی		۹
۴،۵	قابل دسترسی در تارنمای ساترا			۱۰
۳،۵	الزامات مورد نیاز جهت صدور مجوز			۱۱
۳	فراهم سازی شرایط لازم برای ارتقای ظرفیت امنیتی پلتفرم‌ها			۱۲
۳	تسهیل الزامات صدور مجوز برای شروع فعالیت			۱۳
۳	نبود محدودیت در تعداد نیروهای رسانه‌ها			۱۴
۳	سطح یک			سطوح جدید مجوزدهی
۳	سطح دو	۱۶		
۳،۵	دریافت مجوز تأیید محور از طریق درگاه ملی مجوز	نحوه ثبت درخواست مجوز		۱۷
۳	دریافت سه مشخصه برای ثبت نام			۱۸
۳،۴،۷	شاخص‌های کلیدی پایش محتوایی	پایش محتوایی، از مراحل مجوزدهی		۱۹
۴	مقررات ساترا برای حفظ ارزش‌ها			۲۰
۴	تمرکز بر سه حریم اعتقادی، دیداری و گفتاری			۲۱
۴	اعلام تخلف			۲۲



شکل شماره ۲ - عکس شاخص های مضمون مجوزدهی ساترا

جدول شماره ۳ - شاخص‌های مضمون فراگیر چالش‌های رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر از منظر ساترا

ردیف	مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	ارجاعات مصاحبه شونده‌گان	
۱	چالش‌های رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر از منظر ساترا	چالش اقتصادی پلتفرم‌ها	تکیه بیش از حد به مدل درآمدی حاصل از ترافیک	۵	
۲			چالش‌های محتوایی پلتفرم‌ها	لزوم وجود توازن میان سیاست تولید و مصرف رسانه‌ای	۵
۳				لزوم توجه به فرهنگ کشور	۳،۷
۴				مواجهه با ممیزی‌های سلیقه‌ای	۲،۶
۵				مواجهه با سلیقه تلویزیونی در ممیزی‌ها	۷
۶		چالش فنی پلتفرم‌ها		ضعف امکانات فنی پلتفرم‌ها	۵
۷		چالش‌های حقوقی ساترا	نیازمند قانون جامع تنظیم‌گری	۳،۵	
۸			نبود قوانین مکفی به جهت اثبات جایگاه قانونی ساترا	۴	
۹			مبهم بودن چارچوب برخی ضوابط	۴	
۱۰			نبود مقررات جزئی برای فضای مجازی	۴،۶	
۱۱			نبود قوانین مکفی به جهت پیگیری ساترا در مجامع قضایی	۲،۷	
۱۲			سلبی نبودن فعالیت ساترا	۳	
۱۳			همکاری ناکافی قوه قضائیه با ساترا	۳،۷	
۱۴			عدم پذیرش قانون توسط پلتفرم‌ها	۶	
۱۵			ملزومات آیین نامه نظارت بر پلتفرم‌ها	۶	
۱۶			چالش‌های محتوایی ساترا	تقابل محتوای پلتفرم‌ها با تلویزیون	۷
۱۷				سخت‌گیری کم ساترا در بحث محتوا	۷
۱۸				ترویج و تبلیغ مسائل منفی در تولیدات پلتفرم‌ها	۷
۱۹		چالش‌های فنی ساترا	عدم داشتن امکان سرور روم متمرکز	۱	
۲۰		علت نارضایتی برخی پلتفرم‌ها از ساترا	چالش‌های فنی ساترا	شیطنت برخی اطرافیان	۳
۲۱				نیاز به نگاه از منظری دیگر	۳
۲۲				مظلوم‌نمایی برخی پلتفرم‌ها در ابراز نارضایتی	۳
۲۳				نارضایتی به دلیل حاکمیتی بودن ساترا	۳



شکل شماره ۳ - عکس شاخص‌های مضمون چالش‌های رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر از منظر ساترا

جدول شماره ۴ - شاخص‌های مضمون فراگیر عملکرد ساترا در حوزه مجوزدهی از منظر پلتفرم‌ها

ارجاعات مصاحبه شوندگان	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر	
۱۴	ضعف اطلاع‌رسانی ساترا از عملکرد خود	نقاط ضعف ساترا و گلایه پلتفرم‌ها	عملکرد ساترا در حوزه مجوزدهی از منظر پلتفرم‌ها	۱
۸،۱۱،۱۲،۱۴	عدم اطلاع از نظام رتبه‌بندی ساترا			۲
۸،۹،۱۰	عدم نیاز و تناسب بسته‌های محتوایی برای پلتفرم‌ها			۳
۸،۹	عدم صدور مجوز برای پخش زنده			۴
۹	عملکرد نظارتی مشابه صدا و سیما			۵
۹	برخورد نامتعادل با پلتفرم‌ها			۶
۱۳	قوانین سخت‌گیرانه و زمان بر ساترا برای اخذ مجوز قطعی			۷
۱۳	ساترا به عنوان یکی از ادمن‌های پلتفرم‌ها			۸
۸،۱۳	نداشتن رویکرد کارایی محور و داشتن حالت سلبی			۹
۸	ممیزی‌های سخت‌گیرانه			۱۰
۸	برخورد متفاوت مدیران ساترا			۱۱
۸	تعیین زمان برای انقضای مجوز			۱۲
۱۰	وعده‌های تسهیلاتی عمل نشده			۱۳
۱۰	تلویزیون			۱۴
۱۰	ایرادات محتوایی بی اساس	۱۵		
۱۴	عملکرد خوب معاونت فنی ساترا	نقاط قوت ساترا		۱۶
۹،۱۱،۱۴	عدم مشکل در فرآیند پایش محتوایی			۱۷
۱۲،۱۴	پاسخدهی عالی			۱۸
۹،۱۰،۱۲	همراهی ساترا			۱۹
۹،۱۲،۱۳	زمان کوتاه صدور مجوز			۲۰
۱۱	تمهیدات سودمند ساترا			۲۱
۱۱	فرآیند ساده اخذ مجوز			۲۲
۹،۱۳،۱۴	ساترا متولی تنظیم‌گری و مجوزدهی	پذیرش ساترا به عنوان نهاد تنظیم‌گر		۲۳
۹	نیازمند رویکرد صحیح			۲۴
۱۱	ساترا به عنوان تنها گزینه			۲۵



شکل شماره ۴ - عکس شاخص‌های مضمون عملکرد ساترا در حوزه مجوزدهی از منظر پلتفرم‌ها

فراگیر بر اساس نظام رتبه‌بندی"، تهران: نشریه خبری تحلیلی تنظیم‌گری رسانه، ۳۹.

نورا فیلم، (۱۴۰۰). "ساترا چیست و چه وظایف و اهدافی دارد؟"، <https://noorafilm.com/introduction-to-satra>

وفایی، مرتضی. (۱۴۰۱). "شفافیت و عدالت با اتصال به درگاه ملی مجوز"، تهران: نشریه خبری تحلیلی تنظیم‌گری رسانه، ۴۰.

هادیفر، داوود. (۱۳۸۹). "نهادهای حقوقی تنظیم مقررات؛ ساختار و سازوکار اجرایی"، تهران: عترت نو.

همشهری آنلاین. (۱۴۰۱/۴/۲۸). "فاز تازه تقابل میان ساترا و پلتفرم‌ها - مشکلات حل نشده است"، hamshahrionline.ir/x7T2p

یزدی مقدم، مهنوش. (۱۳۹۶). "اصول حقوقی حاکم بر نظام مجوزدهی و نظارت بر موتورهای جست‌وجوی ملی اینترنتی"، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

Baldwin, Robert, et al. (2012). "Understanding regulation: theory, strategy, and practice", Oxford University press.

Bauer, J. (2010) "Changing roles of the state in telecommunications", International Telecommunications Policy Research, 17(1): 1-36.

Becker, G.S. (1983). "A Theory of Competition among Pressure Groups for Political Influence", Quarterly Journal of Economics, 98(3).

Blacman, Colin. & Srivastava, Lara. (2011). "Telecommunications Regulation Handbook: Tenth Anniversary Edition Edited", Washington.

Conseil d'État, Rapport public, (2001). "Les autorités administratives indépendantes", La Documentation française.

Decker, Christopher. (2014). "Modern economic regulation: An introduction to theory and practice", Cambridge University Press.

De Soto, Hernando. (1990). "The Other Path", (New York, NY: Harper and Row).

Djankov, S., R. La Porta., F. Lopez de Silanes. & A. Shleifer. (2002). "The Regulation of Entry", Quarterly Journal of Economics, 117(1).

Dubash, Navroz K. & Morgan, Bronwen. (2013). "The rise of the regulatory state of the south: Infrastructure and development in

ابراهیمی‌نژاد، آرین. و خلیلی، محمدحسین. (۱۳۹۷). "الزامات تعریف صوت و تصویر فراگیر در قانون اداره و نظارت صدا و سیما"، تهران: اندیشکده حکمرانی شریف.

اسمعیلیان، ملیحه، خجسته، حسن. و ناظمی اشنی، امیر. (۱۳۹۸). "تنظیم‌گری رسانه‌های صوتی تصویری نوین"، تهران: انتشارات دانشگاه صدا و سیما

اسمعیلیان، ملیحه. و ناظمی، امیر. (۱۳۹۷). "ارائه الگویی برای نهاد تنظیم‌گر رسانه‌های نوین صوتی - تصویری بر پایه‌ی روش تصمیم‌گیری پابرجا"، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۶).

اکبری نوری، حنا. (۱۴۰۱). "تنظیم‌گران رسانه و مقوله ارائه تسهیلات"، تهران: نشریه خبری تحلیلی تنظیم‌گری رسانه، ۳۹.

انصاری، باقر، اصلان‌زاده، رحیم. و بروجردیان، علی. (۱۳۸۷). "فرهنگ حقوقی (فارسی - انگلیسی) و (انگلیسی - فارسی)"، تهران: اداره چاپ و انتشار معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، چاپ دوم.

پارساپور، آرش. (۱۴۰۰/۲/۲۶). "افزایش انتقادات به نقش و جایگاه ساترا پس از دستور حذف یک مصاحبه انتخاباتی از آپارات، دیجیاتو"، <https://dgto.ir/25ai>

پژوهشکده تحقیقات راهبردی، (۱۳۹۹). "بایسته‌ها و ضرورت‌های تحقق دولت تنظیم‌گر". <https://csr.ir/fa/news/1280>

پژوهشکده سیاست‌گذاری و تنظیم‌گری رسانه ساترا، (۱۴۰۱). "رسانه‌های صوت و تصویر دیجیتال و چالش نظام سنتی مجوزدهی"، تهران: نشریه خبری تحلیلی تنظیم‌گری رسانه، ۴۰.

سلمانی، لیلا. (۱۴۰۱). "تسهیل‌گری رکنی اساسی در تنظیم‌گری"، تهران: نشریه خبری تحلیلی تنظیم‌گری رسانه، ۳۹.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۰). "مبانی حقوق عمومی"، تهران: نشر میزان، چاپ چهارم

کارلوف، بنجت، و، لاونگسن، فردریک. (۱۳۹۱). "سازمان‌دهی مجدد؛ طراحی و اصلاح ساختار، تشکیلات و روش‌های متناسب با عصر اطلاعات"، ترجمه محمد خانباشی و پریسا کیایی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

مردم سالاری آنلاین. (۱۴۰۰/۱۲/۲۰). "اعتراض به دستورالعمل‌های ساترا"، <https://www.mardomsalari.ir/news/161767>

معاونت پژوهش‌های اقتصادی. (۱۳۹۷). "نظام ملی تنظیم‌گری: مفهوم تنظیم‌گر یو ارتباط آن با نظام حکمرانی، مطالعات اقتصاد بخش عمومی"، کد موضوعی: ۳۳۰، مسلسل: ۱۵۹۴۰

مقیسه، سعید. (۱۴۰۱). "تسهیلات به رسانه‌های صوت و تصویر

- Management Science, 5(2).
- Shleifer, Andrei. & Robert W, Vishny. (1993). "Corruption", Quarterly Journal of Economics, CVIII, 599-617.
- Shleifer, Andrei. & Robert W, Vishny. (1998). "The Grabbing Hand: Government Pathologies and their Cures (Cambridge, MA: Harvard University Press).
- Schneider, V. (2001). "Die Transformation der Telekommunikation: Vom Staatsmonopol zum globalen Markt (1800–2000)", Frankfurt and New York: Campus.
- Scott, Colin. (2017). "The regulatory state and beyond. In Peter Drahos (Ed.)", Regulatory theory: Foundations and applications (pp. 265-287). Massachusetts: ANU Press.
- Sorauf, F.J. (1975). "The Public Interest Recognized", Journal of Politics, 50-86.
- Stigler, George. (1971). "The Theory of Economic Regulation", Bell Journal of Economics and Management Science, 3.
- Tollison, R.D. (1998). "The Interest-Group Theory of Government, In: Owens, A., Rowley, C. [eds.]", The Locke Luminary, Vol. I, No. 1 (Summer), Part 4.
- Tullock, G. (1967). "The Welfare Costs of Tariffs, Monopolies, and Theft", Western Economic Journal, 5.
- emerging economies", London: Oxford.
- Just, N. & Latzer, M. (2004). "Self- and co-regulation as indicators of a transformed statehood in the mediamatics sector", in S. Puntcher Riekman, M. Mokreand M. Latzer(eds.) The State of Europe: Transformations of Statehood from a European Perspective, Frankfurt and New York: Campus Verlag.
- Latzer, M. (1997). "Mediamatik: Die Konvergenz von Telekommunikation", Computer und Rundfunk, Opladen: Westdeutscher Verlag.
- Latzer, M. (2007). "Regulatory choice in communications governance", European Journal of Communication, 22(3): 399-405.
- Levi-Faur, David. (2013). "The Odyssey of the Regulatory State: From a "Thin" Monomorphic Concept to a "Thick" and Polymorphic Concept", Law and Policy, 35(2): 29-50.
- Majone, Giandomenico. (2002). "Regulating Europe", London, Routledge.
- McChesney, Fred S. (1987). "Rent Extraction and Rent Creation in the Economic Theory of Regulation", Journal of Legal Studies, XVI, 101-118.
- Morgan, Bronwen. & Yeung, Karen. (2007). "An introduction to law and regulation", Cambridge University Press Cambridge.
- Noam, E. (1992). "Telecommunications in Europe", New York and Oxford: Oxford University Press.
- Olson, M. (1965). "The logic of collective action. Cambridge", MA: Harvard University Press.
- Peltzman, Sam. (1976). "Toward a More General Theory of Regulation", Journal of Law and Economics, 19.
- Peltzman, Sam. (1989). "The economic theory of regulation after a decade of deregulation", Brookings Papers on Economic Activity, Microeconomics.
- Posner, R.A. (1971). "Taxation by Regulation", Bell Journal of Economics and Management Science, 2(22): 22-50.
- Posner, R.A. (1974). "Theories of Economic Regulation", Bell Journal of Economics and

Identification of Satra's Policy Challenges in Media

Mohammad Razmjoo, Mohammadali Hormozizaeh, Mohammadsadegh, Nasroollahi

Abstract

The expansion of information technology and the emergence of modern communication systems have caused the design, policy, and structure of organizations to undergo changes and reforms. Taking into account the change in the media value chain, the role of regulators in managing the situation also changed. New changes, especially the fading of communication and information technology management boundaries, have forced regulators to review the appropriate models. Considering that Satra operates as an active regulator in the field of surrounded audio and video media, it is necessary to review its performance identify its policies regarding licensing, and examine the challenges facing Satra and active platforms in this field. This research will be conducted with a qualitative method and using library-documentary studies and semi-structured interview techniques. During the implementation of the research, 4 comprehensive codes, 43 organizing codes, and 160 basic codes were counted and analyzed with Brown and Clark's thematic analysis approach. In this way, the most important results of the research can be declared as the necessary legal gap to prove the position of Satra as well as the supporting laws for follow-up in judicial reference. Also, among the bold challenges between Satra and the platforms, one can point out the difference in boundaries and cultural and social dimensions considered by the parties in producing works and the technical weakness of the platforms in fulfilling the requirements to obtain different levels of licensing.

Keywords: Satra, Regulation, Licensing, Policymaking.